

إِنَّمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَنًا وَتَخْلُقُونَ إِفْكًا إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا فَابْتَغُوا عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقَ وَاعْبُدُوهُ وَاشْكُرُوا لِهَيْلِهِ تُرْجَعُونَ (۱۷)

- شما غیر از خدا فقط بت‌ها (قطعات سنگ و چوبی) را می‌پرستید و دروغهائی به هم می‌بافید ، کسانی را که غیر از خدا پرستش می‌کنید مالک رزق شما نیستند ، روزی را نزد خدا بطلبید و او را پرستش کنید و شکر او را بجا آورید ، که به سوی او باز می‌گردید.

تفسیر نمونه :

اشاره ای به سرگذشت نوح و ابراهیم

از آنجا که بحث‌های گذشته سخن از آزمایش عمومی انسانها بود از اینجا به بعد بخش‌هایی از آزمایش‌های سخت انبیاء و اقوام پیشین را منعکس می‌کند که چگونه تحت فشار و آزار دشمنان قرار گرفتند، و چگونه صبر کردند و سرانجام پیروزی نصیبشان شد، تا هم دلداری لّه علیه و آله و سلم (که در آن روز سخت در فشار دشمنان نیرومند در مکه بودند، و هم تهدیدی باشد برای دشمنان که مراقب پایان دردناک عمرشان باشد.

نخست از اولین پیامبر اولوا العزم یعنی نوح (علیه السلام) شروع می‌کند و در عبارتی کوتاه آن بخش از زندگانش را که بیشتر متناسب وضع مسلمانان آن روز بود

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۲۲۹

بازگو می‌کند.

می‌گوید)) : ما نوح را به سوی قومش فرستادیم و او در میان آنها هزار سال بجز پنجاه سال ، درنگ کرد) ((و لقد ارسلنا نوحا الی قومه فلبث فیهم الف سنة الا خمسين عاما)).

شب و روز مشغول تبلیغ و دعوت به سوی توحید بود، در خلوت و تنهایی ، در میان جمعیت و با استفاده از هر فرصت ، آنها را در این مدت طولانی یعنی ۹۵۰ سال ! به سوی خدا فرا خواند،

و از این تلاش پیگیر خسته نشد و ضعف و فتوری به خود راه نداد، اما با اینهمه جز گروه اندکی (حدود هشتاد نفر طبق نقل تواریخ) ایمان نیاوردند (یعنی بطور متوسط هر دوازده سال یک نفر).!

بنابراین شما در راه دعوت به سوی حق و مبارزه با انحرافات خسته نشوید که برنامه شما در مقابل برنامه نوح (علیه السلام) سهل و آسان است.

ولی ببینید پایان این قوم ستمگر و لجوج به کجا رسید!! :سرانجام طوفان عظیم آنها را فرو گرفت، در حالی که ظالم و ستمگر بودند!! (فاخذهم الطوفان و هم ظالمون). و به این ترتیب طومار زندگی ننگینشان درهم پیچیده شد، و کاخها و قصرها و جسدهای بیجانسان در امواج طوفان دفن شد.

تعبیر به!! هزار سال الا پنجاه سال -!! در حالی که ممکن بود از اول ۹۵۰ سال بگوید - برای اشاره به عظمت و طول این زمان است، زیرا عدد!! هزار!! (آن هم به صورت!! هزار سال!! برای مدت تبلیغ عدد بسیار بزرگی محسوب می شود.

ظاهر آیه فوق این است که این مقدار، تمام عمر نوح نبود - هر چند تورات کنونی این عدد را برای تمام مدت عمر نوح ذکر کرده، (تورات - سفر تکوین فصل نهم) بلکه بعد از طوفان هم مدت دیگری زندگی کرد که طبق

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۲۳۰

گفته بعضی از مفسران سیصد سال بود.

البته این عمر طولانی در مقیاس عمرهای زمان ما بسیار زیاد است و هیچگاه طبیعی به نظر نمی رسد، ممکن است میزان عمر در آن ایام با امروز تفاوت داشته، اصولاً قوم نوح چنانکه از بعضی مدارك به دست می آید عمر طولانی داشتند و در این میان خود نوح نیز فوق العاده بوده است، ضمناً این نشان می دهد که ساختمان وجود انسان به او امکان عمر طولانی می دهد. مطالعات دانشمندان امروز نیز نشان داده که عمر انسان حد ثابت و معینی ندارد، و اینکه بعضی آن را محدود به ۱۲۰ سال، یا کمتر و بیشتر، دانسته اند، کاملاً بی پایه است، بلکه با تغییر

شرائط کاملاً ممکن است دگرگون شود.

هم اکنون به وسیله آزمایشهایی توانسته اند عمر پاره ای از گیاهان و یا موجودات زنده دیگر را به دوازده برابر عمر معمولی و حتی در بعضی از موارد اگر تعجب نکنید به نهصد برابر! برسانند، و اگر موفق شوند با همین معیار عمر انسان را افزایش دهند، ممکن است انسان هزاران سال عمر کند.

ضمناً باید توجه داشت که کلمه)) طوفان ((در اصل به معنی هر حادثه ای است که انسان را احاطه می کند (از ماده طواف) سپس به آب فراوان ، یا سیل شدید که مساحت زیادی از زمین را فرا می گیرد و در خود فرو می برد، اطلاق شده است ، همچنین به هر چیز شدید و فراوان که فراگیر باشد - اعم از باد و آتش و آب - نیز گفته می شود، و گاه به معنی تاریکی شدید شب نیز آمده است.

جالب اینکه می گوید: و هم ظالمون یعنی آنها به هنگام وقوع طوفان همچنان به ظلم و ستم خود ادامه می دادند، اشاره به اینکه اگر این کار را رها

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۲۳۱

کرده و نادم می شدند و به سوی خدا می آمدند هرگز گرفتار چنین سرنوشتی نمی شدند.
در آیه بعد می افزاید)) :ما نوح و اصحاب کشتی را رهائی بخشیدیم ، و آن را آیت و نشانه ای برای جهانیان قرار دادیم)) (فانجینه و اصحاب السفینه و جعلناها آیه للعالمین).
سپس به دنبال ماجرای فشرده نوح (علیه السلام) و قومش به سراغ داستان ابراهیم (علیه السلام) دومین پیامبر بزرگ اولوالعزم می رود و می فرماید)) :ما ابراهیم را فرستادیم هنگامی که به قومش گفت : خدای یگانه را پرستش کنید و از او بپرهیزید که این برای شما بهتر است اگر بدانید)) (و ابراهیم اذ قال لقومه اعبدوا الله و اتقوه ذلکم خیر لکم ان کنتم تعلمون).
در اینجا دو برنامه مهم اعتقادی و عملی انبیا، را که دعوت به)) توحید ((و)) تقوا ((بوده است یکجا بیان کرده و در پایان می گوید: اگر شما درست بیندیشید پیروی از توحید و تقوا برای

شما بهتر است که دنیایتان را از آلودگیهای شرک و گناه و بدبختی نجات می دهد، و آخرت شما نیز سعادت جاویدان است.

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۲۳۲

سپس ابراهیم (علیه السلام) به دلائل بطلان بت پرستی می پردازد و با چند تعبیر مختلف که هر کدام متضمن دلیلی است، آئین آنها را شدیداً محکوم می کند.

نخست می گوید: «شما غیر از خدا فقط بت‌هایی را می پرستید» ((انما تعبدون من دون الله اوثانا)).

همان بت‌هایی که مجسمه های بیروحي هستند، مجسمه هائی بی اراده، بی عقل و شعور و فاقد همه چیز که چگونگی منظره آنها خود دلیل گویائی بر بطلان عقیده بت پرستی است (توجه داشته باشید) اوثان ((جمع)) وثن - ((بر وزن صنم - به معنی سنگ‌هایی است که آن را می تراشیدند و عبادت می کردند)).

بعد از این فراتر می رود و می گوید: نه تنها وضع این بت‌ها نشان می دهد که معبود نیستند، بلکه شما نیز می دانید که خودتان دروغ‌هایی به هم می بافید و نام معبود را بر این بت‌ها می گذارید (و تخلقون افکا).

شما چه دلیلی برای این دروغ بزرگ دارید؟ جز يك مشت اوهام و خرافات!

از آنجا که ((تخلقون)) (از ماده)) خلق ((است که گاهی به معنی آفریدن و ساختن می آید و گاه به معنی دروغ گفتن، بعضی از مفسران تفسیر دیگری برای این جمله غیر از آنچه در بالا گفتیم ذکر کرده اند، و گفته اند منظور این است که شما این بت‌ها (این معبودهای قلابی) را با دست خود می تراشید و خلق می کنید (بنابراین)) افك ((به معنی معبودهای دروغین است و)) خلق ((به معنی تراشیدن)).

سپس به دلیل سومی می پردازد که پرستش شما نسبت به این بت‌ها یا به خاطر منافع مادی است و یا سرنوشتان در جهان دیگر، و هر کدام باشد باطل است،

چرا که)) کسانی را که غیر از خدا می پرستید، قادر نیستند به شما رزق و روزی دهند) ((ان الذین تعبدون من دون الله لا یملکون لکم رزقا.)) شما خود قبول دارید که بتها خالق نیستند، بلکه خالق خدا است بنابراین روزی دهنده نیز او است)) سپس روزی را نزد خدا جستجو کنید) ((فابتغوا عند الله الرزق.)) و چون روزی دهنده او است)) او را عبادت کنید و شکر او را بجا آورید) ((و اعبدوه و اشکروا له)).

به تعبیر دیگر یکی از انگیزه های عبادت ، حس شکرگزاری است در مقابل منعم حقیقی ، شما می دانید منعم حقیقی خدا است ، پس شکر و عبادت نیز مخصوص ذات پاک خدا است.

و اگر زندگی سرای دیگر را می طلبید بدانید)) بازگشت همه شما به سوی او است ((و نه به سوی بتها! (الیه ترجعون.))

بتها نه در اینجا منشا اثری هستند و نه آنجا.

به این ترتیب با چند دلیل کوتاه و روشن ، منطق واهی آنها را می کوبد.

سپس ابراهیم (علیه السلام) به عنوان تهدید، و همچنین بی اعتنائی نسبت به آنها، می گوید)) :اگر شما سخنان مرا تکذیب کنید مطلب تازه ای نیست ، امتهای پیش از شما نیز پیامبرشان را تکذیب کردند) ((و به سرنوشت دردناکی گرفتار شدند) (و ان تکذبوا فقد کذب امم من قبلکم.))

((وظیفه رسول و فرستاده خدا جز ابلاغ آشکار نیست خواه پذیرا شوند یا نشوند) ((و ما علی الرسول الا البلاغ المبین.))

منظور از امتهای پیشین ، قوم نوح و اقوامی بودند که بعد از آنها روی کار آمدند.

البته ارتباط آیات ایجاب می کند که این جمله از سخنان ابراهیم (علیه السلام) باشد و بسیاری از مفسران نیز همین تفسیر را پذیرفته ، یا به عنوان يك احتمال ذکر کرده اند.

لَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) است ، و جمله)) کذب امم من قبلکم ((تناسب بیشتری با آن دارد،
لَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) و مشرکان عرب است ، ولی به هر حال هر کدام از این دو تفسیر باشد از
نظر نتیجه تفاوتی پیدا نمی کند.

در اینجا قرآن داستان ابراهیم را موقتاً رها کرده و بحثی را که ابراهیم در زمینه توحید و بیان
رسالت خویش داشت به وسیله ذکر دلیل بر معاد تکمیل می کند، می گوید:

((آیا این منکران معاد، ندیدند چگونه خداوند آفرینش را آغاز می کند سپس آن را بازمی
گرداند))؟ (اولم یروا کیف یبدی الله الخلق ثم یعیده).

منظور از رؤیت و دیدن در اینجا همان مشاهده قلبی و علم است ، یعنی آیا آنها چگونگی
آفرینش الهی را نمی دانند، همان کسی که قدرت بر)) ایجاد نخستین ((داشته قادر بر اعاده
آن نیز هست ، که قدرت بر یک چیز، قدرت بر امثال و اشباه آن نیز می باشد.
این احتمال نیز وجود دارد که)) رؤیت ((در اینجا به همان معنی مشاهده با چشم باشد، چرا
که انسان در این دنیا زنده شدن زمینهای مرده و روئیدن گیاهان و تولد اطفال از نطفه و جوجه
ها را از تخم مرغ با چشم دیده است ، کسی که قدرت بر چنین کاری دارد می تواند بعد از
مرگ مردگان را حیات ببخشد.
و در پایان آیه به عنوان تاءکید می افزاید)): این کار برای خدا سهل و آسان

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۲۳۵

است)) (ان ذلک علی الله یسیر).

چرا که تجدید حیات در برابر ایجاد روز نخست مسأله ساده تری محسوب می شود.
البته این تعبیر به تناسب فهم و منطق انسانها است ، و گرنه ساده و مشکل در برابر کسی که
قدرتش بیانتهاست مفهومی ندارد، این قدرتهای محدود ما است که این مفاهیم را آفریده ، و
با توجه به کارآمد آن ، اموری مشکل و اموری آسان شدند (دقت کنید).

آیه ۲۰-۲۳

آیه و ترجمه

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۲۰)

يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَيَرْحَمُ مَنْ يَشَاءُ وَإِلَيْهِ تُقْلَبُونَ (۲۱)

وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَمَا لَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ (۲۲)
وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَلِقَائِهِ أُولَئِكَ يَئِسُوا مِن رَّحْمَتِي وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۲۳)

ترجمه:

- 20 بگو، در زمین سیر کنید و بنگرید خداوند چگونه آفرینش را آغاز کرده ؟ سپس خداوند (به همین گونه) جهان آخرت را ایجاد می کند، خداوند بر هر چیز قادر است.
- 21 هر کس را بخواهد (و مستحق بداند) مجازات می کند، و هر کس را بخواهد مورد رحمت قرار می دهد، و به سوی او بازمی گردید.
- 22 شما هرگز نمی توانید بر اراده خدا چیره شوید و از حوزه قدرت او در زمین و آسمان فرار کنید، و برای شما جز خدا ولی و یاور نیست.
- 23 کسانی که به آیات خدا و لقای او کافر شدند از رحمت من مأیوسند، و برای آنها عذاب دردناکی است.

تفسیر:

مائوسان از رحمت خدا

این آیات همچنان بحث معاد را تعقیب می کند و به صورت جمله های معترضه ای است در

وسط داستان ابراهیم (علیه السلام).

این نخستین بار نیست که با چنین طرز بحثی روبرو می شویم ، روش قرآن این است که وقتی بیان داستانی به مرحله حساس می رسد برای نتیجه گیری بیشتر موقتا دنباله آن را رها کرده و به نتیجه گیریهای لازم می پردازد.

به هر حال در نخستین آیه مورد بحث مردم را به سیر آفاقی در مسأله معاد دعوت می کند در حالی که آیه قبل ، بیشتر جنبه)) سیر انفسی ((داشت.

می فرماید)) :بگو بروید و در روی زمین سیر کنید، انواع موجودات زنده را ببینید اقوام و جمعیتهای گوناگون را با ویژگیهایشان ملاحظه کنید و بنگرید خداوند آفرینش نخستین آنها را چگونه ایجاد کرده است)) ؟ (قل سیروا فی الارض فانظروا کیف بدء الخلق).

((سپس همان خداوندی که قدرت بر ایجاد این همه موجودات رنگارنگ و اقوام مختلف دارد، نشأة آخرت را ایجاد می کند) ((ثم الله ینشیء نشأة الاخرة).

چرا که او با خلقت نخستین ، قدرتش را بر همگان ثابت کرده است ، آری)) خداوند بر هر چیزی قادر و توانا است) ((ان الله علی کل شیء قدير)

هم این آیه و هم آیه قبل از آن ، امکان معاد را از طریق وسعت قدرت خداوند اثبات می کند، با این تفاوت که اولی پیرامون خلقت نخستین درباره خود انسان و آنچه اطراف او است سخن می گوید و آیه دوم دستور به مطالعه حالات اقوام و موجودات دیگر می دهد تا حیات نخستین را در چهره های مختلف و در شرائط

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۲۳۸

کاملا متفاوت ببینند و به عمومیت قدرت خدا آشنا شوند و به توانائی او بر اعاده این حیات پی ببرند.

در حقیقت همانگونه که اثبات توحید گاه از مشاهده)) آیات انفسی ((است و گاه)) آیات آفاقی ((اثبات معاد نیز از هر دو طریق انجام می گیرد.

امروز این آیه برای دانشمندان معنی دقیقتر و عمیقتری می تواند ارائه دهد و آن اینکه بروند و

آثار موجودات زنده نخستین را که به صورت فسیلها و غیر آن در اعماق دریاها، در دل کوه ها، و در لابلای طبقات زمین است ببینند، و به گوشه ای از اسرار آغاز حیات در کره زمین و عظمت و قدرت خدا پی برند و بدانند که او بر اعاده حیات قادر است.

ضمنا واژه)) نشاء ((در اصل به معنی ایجاد و تربیت چیزی است و گاه از دنیا به)) نشاء اولی ((و از قیامت به)) نشاء آخرت ((تعبیر می شود.

این نکته نیز قابل توجه است که در ذیل آیه گذشته)) ان ذلک علی الله یسیر ((آمده بود و در اینجا)) ان الله علی کل شیء قدیر ((، این تفاوت ممکن است به خاطر آن باشد که اولی یک مطالعه محدود را بیان می کند و دومی یک مطالعه وسیع و گسترده را.

سپس به ذکر یکی از مسائل مربوط به معاد می پردازد، و آن مسأله رحمت و عذاب است می گوید)) :او در قیامت هر کس را بخواهد و مستحق بداند مجازات می کند، و هر کس را بخواهد و لایق ببیند مورد رحمت قرار می دهد، و به سوی او بازگشت می کنید ((یعذب من یشاء و یرحم من یشاء و الیه تقلبون)).

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۲۳۹

با اینکه رحمت الهی بر غضبش پیشی گرفته اما در اینجا نخست سخن از عذاب می گوید بعد رحمت ، چرا که در مقام تهدید است ، و مناسب مقام تهدید، همین است.

در اینجا این سؤال پیش می آید که چگونه اول سخن از عذاب و رحمت می گوید و بعد سخن از بازگشت مردم به سوی او، در حالی که قضیه بر عکس است ، نخست مردم در پیشگاه او حاضر می شوند و بعد مشمول رحمت یا عذاب می گردند، و شاید همین امر سبب شود که بعضی این عذاب و رحمت را عذاب و رحمت دنیا بدانند.

در پاسخ می گوئیم : عذاب و رحمت به قرینه آیات قبل و بعد ظاهرا همان عذاب و رحمت قیامت است ، و جمله)) الیه تقلبون ((می تواند اشاره به دلیل آن باشد، یعنی چون بازگشت همه شما به سوی او است و حساب و کتابتان نزد او، پس عذاب و رحمت نیز در اختیار او و با اراده او است.

این معنی نیز بعید نیست که عذاب و رحمت در این آیه مفهوم وسیعی داشته باشد که عذاب و رحمت دنیا و آخرت را شامل شود.

این نکته نیز روشن است که مراد از جمله)) من یشاء)) (هر که را بخواهد) همان مشیت تواءم با حکمت است یعنی هر که را شایسته و مستحق بداند که مشیت خدا بی حساب نیست و هماهنگ با شایستگیها و استحقاقها است.

جمله)) تقلبون ((از ماده)) قلب ((در اصل به معنی دگرگون ساختن چیزی از صورتی به صورت دیگر است ، و از آنجا که در قیامت انسان از صورت خاك بیجان به صورت موجود زنده کاملی در می آید، این تعبیر در مورد آفرینش مجدد او آمده است. این تعبیر ممکن است اشاره به این نکته نیز بوده باشد که در سرای آخرت انسان آنچنان دگرگون و زیر و رو می شود که باطنش ظاهر می گردد و اسرار

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۲۴۰

درویش آشکار، و به این ترتیب معنی آیه ۹ سوره طارق یوم تبلی السرائر (روزی که اسرار درون آشکار می گردد) را تداعی می کند.

در تکمیل این بحث که عذاب و رحمت به دست خدا است ، و بازگشت همه به سوی او است ، می افزاید: اگر تصور کنید می توانید از قلمرو حکومت خداوند بیرون روید و چنگال مجازات گریبان شما را نگیرد، سخت در اشتباهید چرا)) که شما نمی توانید بر اراده خداوند چیره شوید و از دست قدرت او در زمین یا آسمان فرار کنید)) (و ما انتم بمعجزین فی الارض و لا فی السماء).

و اگر تصور کنید سرپرست و یآوری از شما دفاع می کند، آنهم اشتباه محض است زیرا)) برای شما جز خدا، ولی و یآوری نیست)) (و ما لکم من دون الله من ولی و لا نصیر).

در حقیقت رهائی از چنگال عذاب پروردگار یا به این است که از قلمرو حکومت او بیرون روید، یا بمانید و با تکیه کردن بر قدرت دیگران از خویشتن دفاع کنید، نه بیرون رفتن امکان پذیر است که همه جا کشور او است و تمام عالم هستی ملك پهناور او، و نه کسی وجود دارد که

بتواند در برابر قدرتش قد علم کند و به دفاع از شما برخیزد.

در اینجا دو سؤال باقی میماند:

نخست اینکه : با توجه به این واقعیت که نظر در این آیه به مشرکان و کفار

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۲۴۱

است و آنها از ساکنان زمینند، تعبیر به)) و لا فی السماء ((چه مفهومی می تواند داشته باشد؟

در پاسخ باید گفت : این تعبیر یکنوع تاءکید و مبالغه است یعنی شما نه می توانید در محدوده

زمین از قلمرو قدرت خدا بیرون روید و نه در آسمانها که اگر فرضاً قدرت می داشتید و به

آسمان هم می رفتید باز هم تحت قدرت او بودید.

یا اینکه نه بوسیله زمینیان می توانید خداوند را در مشیتش عاجز کنید نه معبودانی که برای

خود در آسمان می پنداشتید، همچون فرشتگان و جنیان (البته تفسیر اول مناسبتر است).

دیگر اینکه فرق میان)) ولی ((و)) نصیر ((چیست ؟

مرحوم طبرسی در مجمع البیان می گوید)) : ولی کسی است که بدون درخواست به انسان

کمک کند، اما نصیر اعم از آنست ، گاه با درخواست و گاه بدون درخواست کمک می

نماید ((بلکه می توان گفت با توجه به مقابله این دو کلمه ، ولی اشاره به سرپرستی است که

بدون تقاضا کمک می کند و نصیر فریادرس و یآوری است که بعد از تقاضای کمک به یاری

انسان می شتابد.

و به این ترتیب قرآن تمام درهای فرار از چنگال مجازات الهی را به روی این مجرمان می بندد.

لذا در آیه بعد بطور قاطع می فرماید)) : کسانی که به آیات خدا و لقای او کافر شدند از رحمت

من مأیوسند) ((و الذین كفروا بآيات الله و لقاءه اولئك یئسوا من رحمتی).

سپس برای تاءکید می افزاید)) : برای آنها عذاب دردناکی است) ((و اولئك لهم عذاب الیم).

این)) عذاب الیم ((لازمه مأیوس شدن از رحمت خدا است.

منظور از)) آیات الله((، یا)) آیات تکوینی ((یعنی آثار عظمت الهی در نظام آفرینش است و در این صورت اشاره به مساءله توحید می باشد، در حالی که)) لقاءه ((اشاره به مساءله معاد است یعنی آنها هم منکر مبدء هستند و هم منکر معاد. و یا اشاره به)) آیات تشریعی ((یعنی آیاتی که خداوند بر پیامبرانش نازل کرده که هم از مبدء سخن می گوید و هم از نبوت و هم از معاد، و در این صورت تعبیر به)) لقاءه ((از قبیل ذکر عام بعد از خاص است.

این احتمال نیز وجود دارد که منظور همه آیات خدا در عالم آفرینش و تشریع است. ذکر این نکته نیز لازم است که)) یئسوا ((مأیوس شدند)) فعل ماضی ((است، هر چند هدف اصلی آن آینده یعنی قیامت می باشد، زیرا معمول عرب این است که حوادث آینده هنگامی که صددرصد قطعی باشد گاهی با فعل ماضی از آن تعبیر می کند.

تفسیر نور

نکته ها

در آیه قبل حضرت ابراهیم مردم را به عبادت و اطاعت خدا دعوت کرد و در این آیه عبادت غیر خدا را مردود و بی نتیجه می داند و در پایان آیه بار دیگر بر عبادت خدا تأکید می کند.

شرك و بت پرستی، هیچ برهان و منطقی ندارد، زیرا:

اولاً: بت‌ها، جماداتی بیش نیستند. «اوثانا»

ثانیاً: خود بت پرستان، سازنده‌ی آنهایند. «تخلقون»

ثالثاً: هیچ گونه نفعی برای مشرکان و بت پرستان ندارند. «لایملکون لکم»

در این آیه، حضرت ابراهیم سه بار مشرکان را مخاطب قرار داد، و این نشانه‌ی گفتگوی مستقیم با منحرفان است. «تعبدون - تخلقون - تعبدون»

پیام ها

۱- کسانی که راه کج می‌روند، کار خود را توجیه می‌کنند. «تخلقون افکا»

۲- از انگیزه‌های پرستش غیر خدا، رسیدن به نان و نواست. «لایملکون لکم رزقا»

۳- غیر خدا، توان روزی دادن ندارند، نه آنکه می‌توانند ولی نمی‌دهند. «لایملکون» نفرمود: «لایرزقونکم»

۴- در ارشاد و تبلیغ، پس از آنکه باطل بودن فکری را ثابت کردید، راه حق را نشان دهید. «لایملکون لکم رزقا فابتغوا عندالله الرّزق»

۵ - تا مردم از غیر خدا مأیوس نشوند، به سراغ خدا نمی‌روند. «لایملکون ... فابتغوا عندالله»

۶- خدا رازق است، ولی انسان نیز باید تلاش کند. «فابتغوا»

۷- ابتدا باید نیازهای مادی و رفاهی را حل کرد، سپس مردم را ارشاد نمود. «فابتغوا عندالله الرزق و اعبدوه»

۸ - سرچشمه‌ی رزق، نزد خداست. «عندالله الرّزق»

۹- عبادت کسی شایسته است که قدرت دست اوست. «عندالله الرزق و اعبدوه»

۱۰- ضامن اجرای اوامر الهی، قیامت است. «الیه ترجعون»